

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال پنجم، شماره بیستم، پائیز ۱۳۹۲

ص ص ۷۷-۹۶

بررسی رابطه بین دین‌داری و اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان

کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

علی‌رضا کندوانی اصل^۱

دکتر فرامرز تقی‌لو^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۲/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۴/۵/۱۷

چکیده

از جمله عوامل مهم و مؤثر در انسجام و یکپارچگی هر جامعه‌ای، وجود اعتماد در بین افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی است. زمانی که اعتماد اجتماعی دچار فرسایش شود، نظم و انسجام اجتماعی نیز با چالش‌هایی مواجه می‌گردد. تحقیق حاضر به بررسی رابطه بین دین‌داری و اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان شاغل به تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز می‌پردازد. اعتماد اجتماعی با دو بعد اعتماد رقیق یا تعمیم‌یافته و اعتماد غلیظ یا خاص گرایانه سنجیده شده است و دین‌داری شامل سه بعد اعتقادی، عبادی و تشریحی در نظر گرفته شده است.

روش پژوهش کمی و تکنیک مورد استفاده پیمایش می‌باشد. بدین منظور یک نمونه ۳۴۵ نفری از دانشجویان انتخاب و داده‌ها توسط پرسشنامه گردآوری شدند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که بین ابعاد سه‌گانه دین‌داری و نیز وضعیت تاهل با اعتماد اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. اما رابطه متغیرهای جنسیت و شاخه تحصیلی با اعتماد اجتماعی معنادار نیست. در آزمون رگرسیون سلسله مراتبی چند متغیره، متغیرهای ابعاد سه‌گانه دین‌داری و وضعیت تاهل به ترتیب وارد معادله شدند و در مجموع ۱۵/۱ درصد از واریانس متغیر وابسته یعنی اعتماد اجتماعی را تبیین کردند.

واژگان کلیدی: دین‌داری، اعتماد اجتماعی، دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.

مقدمه

اعتماد با کارکردهای متعدد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و روان‌شناختی خود، نقش مهمی را در بستر تعاملات و کنش‌های گروهی ایفا می‌کند. زندگی انسان بدون احساس اعتماد به خود، آینده و جهان

۱. دانش‌آموخته کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز - ایران.

۲. عضو هیات علمی دانشگاه تبریز، گروه علوم اجتماعی، تبریز - ایران (نویسنده مسئول).

پیرامون، همراه با اضطراب و کشمکش تحمل‌ناپذیری است که می‌تواند باعث فروپاشی فرد شود. اعتماد، رشد انسان و شکوفایی استعدادها و توانایی‌های او را تسهیل می‌کند و رابطه او با دیگران و جهان را به رابطه‌ای خلاق و شکوفا تبدیل می‌سازد تا فرد بتواند آرامش، امنیت و آزادی و استقلال را در کنار دیگران و با دیگران تجربه کند (Putnam, 1993: 80). بنابراین، اعتماد یکی از اساسی‌ترین مولفه‌های برقراری کنش متقابل در جوامع امروزی به شمار می‌آید و زمانی که اعتماد اجتماعی تحت تأثیر عوامل مختلف، دچار فرسایش شود، نظم و انسجام اجتماعی نیز با چالش‌هایی مواجه می‌گردد (Simmel, 2004: 178).

در جوامع امروزی، و از جمله جامعه ایران، که شهرنشینی وجه غالب آن است، هر فردی در زندگی روزمره، ناگزیر از تعامل با تعداد زیادی از افرادی است که آن‌ها را نمی‌شناسد اما بنا به ضروریات زندگی، بخشی از آرامش و رفاه خود را به آن‌ها می‌سپارد. بنابراین، در موارد زیادی نیاز داریم به دیگران اعتماد کنیم. یعنی هنگام مواجهه با موقعیت‌های حساس ما نیازمند اعتماد هستیم. اگر میزان مخاطره موجود در موقعیت زیاد باشد، اعتماد خدشه‌دار می‌شود و انسان‌ها دچار بی‌اعتمادی می‌گردند. کاهش اعتماد اجتماعی در ایران دهه‌های اخیر مسأله‌ای است که بسیاری از محققان آن را بررسی و گوشزد کرده‌اند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۱: ۱۳۱؛ آزاد ارمکی و کمالی، ۱۳۸۱: ۲۳۰؛ شارع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۰۱؛ رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۷۸).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اعتماد اجتماعی در میان گروه‌ها و اقشار مختلف متفاوت است. وجود میزان اعتماد به اقشار و گروه‌ها در شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مختلف و حتی در زمان‌های مختلف نشان می‌دهند که اعتماد اجتماعی متأثر و تابعی از متغیرهای متعدد و گوناگون بوده و نسبت به اقشار و گروه‌هایی که به نحوی با نهادهای فرهنگی، آموزشی و دینی ارتباط دارند در مقایسه با اقشار دیگر افزون‌تر است. می‌توان ریشه این امر را در مولفه‌های اعتمادسازی یافت که از طرفی با آموزه‌های دینی و از طرفی با اعتقادات و باورهای عمومی در ارتباطند. صداقت، وفای به عهد، سلامت روحی و روانی، خیرخواهی، ثبات در نظر و رفتار، ترجیح امور معنوی به مادی، و خیانت و دوری از سایر ردایب اخلاقی از جمله این مؤلفه‌ها هستند که تجمع تعدادی از این مؤلفه‌ها در هر فردی موجب شکل‌گیری منزلت و وجهه اجتماعی بالایی برای او خواهد شد و موجب اعتماد جامعه به افراد واجد آن‌ها می‌گردد.

یکی از کارکردهای مهم دین در طول تاریخ، ایجاد اعتماد و اطمینان اجتماعی بوده و هر چه ارزش‌های دینی و اخلاقی در جامعه‌ای تقویت شده باشند، رفتار افراد پیش‌بینی‌پذیرتر می‌شود؛ چرا که افراد در چارچوب قواعد خاصی رفتار می‌کنند و قابلیت اعتماد به افراد بیشتر و مناسبات اجتماعی روان‌تر و کم‌هزینه‌تر صورت می‌گیرد. البته آموزه‌های دینی، نقشی دو جانبه دارد و کسانی که به طور شخصی یا اجتماعی با آموزه‌های دینی ارتباط دارند، هم مورد اعتماد هستند و هم اعتماد بیشتری به دیگران می‌کنند. لیکن در دوران گذار این کارکرد پیش از آن که ارزش‌های مدرن جایگزین شوند تضعیف می‌شود. پس در

دوران گذار ارزش‌های سنتی تضعیف می‌شوند درحالی‌که هنوز ارزش‌های دنیای مدرن جایگزین آن نشده است و همین امر زمینه‌ساز تضعیف اعتماد اجتماعی می‌شود.

در جامعه‌ای مثل جامعه ایران که یک جامعه‌ی دینی و در حال گذار بوده و با حفظ بخش گسترده‌ای از میراث سنتی خود وارد دوران مدرن شده است، فروپاشی ارزش‌های سنتی و عدم جایگزینی ارزش‌های مدرن نمود بیشتری به خود گرفته و تاثیر بیشتری بر جامعه داشته است. از دید برخی صاحب‌نظران شواهد بسیاری دلالت بر کاهش اعتماد اجتماعی در تمام ابعاد و سوگیری‌ها عاطفی و خاص‌گرا در روابط کنشگران در تمام سطوح در ایران دارد (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۲). به ویژه در دانشگاه‌ها به عنوان یک نهاد مدرن و در سطوح مختلف دانشگاهی که در آن دانشجویان بیشتر با روند مدرنیزاسیون آشنا می‌شوند، عمدتاً نهادهای مسئول در ارائه سطح مناسبی از دین‌داری به دانشجویان از کارایی لازم برخوردار نبوده و در ایفای نقش قوی در روند جامعه‌پذیری دانشجویان از توانایی کافی برخوردار نمی‌باشند.

شرایط امروزی حاکم بر دانشگاه‌ها، و در این مورد خاص دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، یعنی گسترش سریع دانشگاه، ایجاد عرصه‌های جدید علمی، افزایش شدید تعداد دانشجو، دگرگونی ساختار طبقاتی دانشجویان، و تغییرات اقتصادی و اجتماعی وسیع و در نتیجه افزایش فزاینده تعامل با افرادی خارج از محورهای خویشاوندی و نظایر آن نیاز به اعتماد اجتماعی را جدی‌تر ساخته است. لیکن به دست آوردن سطح بالایی از اعتماد در جوامع مختلف و از جمله جامعه دانشگاهی به عوامل بسیار متعدد و متنوعی وابسته است که نیاز به بررسی‌های گسترده و وسیعی دارد که دین‌داری از جمله آن‌ها می‌باشد. بنابراین مطالعه حاضر به دنبال یافتن پاسخی برای این سوال است که: «بین میزان دین‌داری و میزان اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی تبریز چه رابطه‌ای وجود دارد؟»

نظریه‌های دین

دورکیم

از نظر دورکیم واقعیت‌های اجتماعی «هر شیوه عمل ثابت یا ناثابتی هستند که بتوانند بر فرد نوعی الزام خارجی را تحمیل کنند. این واقعیت‌ها بیرون از فرد قرار دارند و از چنان قدرت بازدارنده‌ای برخوردارند که بر فرد و اراده فردی تحمیل می‌گردند. هرگاه تقاضاهای اجتماعی برآورده نشوند الزام‌ها چه به صورت قانون و چه به شکل رسوم وارد عمل می‌شوند. این الزام‌های قانونی و سنتی بر افراد تحمیل می‌شوند و آرزوها و تمایلات آن‌ها را جهت می‌دهند» (دورکیم، ۱۳۸۷: ۳۷). دورکیم به این نتیجه می‌رسد که واقعیت‌های اجتماعی و به ویژه قواعد اخلاقی تنها در صورت درونی شدن در وجدان فردی، به راهنما و نظارت‌کننده مؤثر رفتار بشر تبدیل می‌شوند. بنابراین، الزام دیگر تحمیل صرف نظارت‌های خارجی بر اراده فردی نخواهد بود بلکه شکل یک اجبار اخلاقی برای اطاعت از قانون را به خود خواهد گرفت. وی با

بررسی دین به این نتیجه می‌رسد که دین یکی از آن نیروهایی است که در درون افراد احساس الزام اخلاقی به هواداری از درخواست‌های جامعه را ایجاد می‌کند (کوزر و روزنبرگ ۱۳۷۷: ۱۲۰-۱۱۵). نیروهای اجتماعی انضباط‌بخش، انسجام‌بخش، حیات‌بخش و خوشبختی‌بخش چهار کارکرد عمده دین از نظر دورکیم هستند. آیین‌های مذهبی از طریق تحمیل انضباط بر نفس و قدرت خویشتن‌داری، انسان‌ها را برای زندگی اجتماعی آماده می‌سازند. تشریفات مذهبی مردم را گرد هم می‌آورند و پیوندهای مشترک‌شان را دوباره تصدیق و در نتیجه همبستگی اجتماعی را تحکیم می‌بخشند. اجرای مراسم مذهبی، میراث اجتماعی گروه را ابقا و احیا می‌کند و ارزش‌های پایدار آن را به نسل‌های آینده انتقال می‌دهد. سرانجام در کارکرد خوشبختی‌بخش دین با برانگیختن احساس خوشبختی در مؤمنان و اطمینان به حقانیت ضروری جهان اخلاقی‌ای که خودشان جزئی از آن هستند، با احساس ناکامی و فقدان ایمان در آن‌ها مقابله می‌کند (کوزر، ۱۳۸۲: ۲۰۰). با توجه به کارکردهایی که او برای دین بر می‌شمارد، بین دین-داری و اعتماد اجتماعی می‌تواند رابطه مثبتی وجود داشته باشد. در گروه‌ها و جوامع دین‌دار احتمالاً افراد انسجام بیشتری با جامعه داشته و حمایت اجتماعی بیشتری از سوی افراد جامعه دریافت می‌کنند و در نتیجه بیشتر به یکدیگر اعتماد می‌کنند.

دیویس

چهار کارکرد برای دین عنوان می‌کند که به حفظ غلبه اهداف گروهی بر منافع شخصی و خواهش‌های جسمانی کمک می‌کنند: اول این که دین عزم افراد را به رعایت هنجارهای گروهی تقویت می‌کند و این هنجارها را بالاتر از منافع صرفاً خصوصی قرار می‌دهد. دوم، عملکردها یا مناسک دینی، کارکرد حفظ باورداشت‌ها را انجام می‌دهند و برای احیای دلبستگی کنشگران به ارزش‌های غایی وسیله اساسی هستند. سوم، پدیده‌های نامحسوس و چیزهای مقدسی که دیویس آن‌ها را «واقعیت‌های فراتجربی» می‌نامد، هدف‌های گروهی و ارزش‌های غایی را با کشش‌های فردی پیوند می‌دهند و از این طریق در حفظ نظم اجتماعی نقش مؤثری ایفا می‌نمایند. و بالاخره چهارم این که دین برای مجازات، یک منبع غایی فراهم می‌کند (همیلتون، ۱۳۸۷: ۲۰۲-۱۹۹). به نظر وی، تاکید بر کیفر و پاداش، خصلت غالباً انسان‌وار قلمرو دینی را تبیین می‌کند و بر اراده یا قدرتی دلالت می‌کنند که بر آدمی حکم می‌راند و انواع خاصی از رفتار را از او انتظار دارد و واکنش مناسب این قدرت، مشروط به تحقق رفتار مورد نظر است. از نظر بینگر دین نظام باورداشت‌ها و عملکردهایی است که به مسائل غایی زندگی ارتباط دارند. هرگونه نظام باورداشتی که به مردم در برخوردشان با مسائل غایی زندگی بشر کمک کند دین به شمار می‌آید؛ حتی اگر این نظام، به دین متعارف چندان شباهت نداشته یا با عقل سلیم همگانی و یا با مفهوم سنتی ماهیت دین سازگاری نداشته باشد. به نظر او همه انسان‌ها یک رشته ارزش‌ها یا باورداشت‌های مطلق دارند که

نوعی پاسخ به مسائل غایی را در اختیارشان می‌گذارد. دین کوششی است برای برخورد با مسائلی که به صورت دیگر و یا با وسایل دیگر نمی‌توان با آن‌ها برخورد کرد (هما: ۲۰۳-۲۰۲).

به نظر اُدی سه ویژگی احتمال، ناتوانی و کمیابی، مواد خام لازم برای پیدایش مذهب را به وجود می‌آورند. منظور از احتمال این واقعیت است که وجود بشر سرشار از بی‌اطمینانی، خطر و آسیب‌پذیری است. عدم توانایی در برآورد آینده، برای بشر احساس عجز و ناتوانی را به بار می‌آورد و مانع کنش فردی یا جمعی او می‌شود. انسان در صورتی که نداند پس از مرگ چه خواهد شد و یا علت وقوع حوادث اندوه‌ساز چیست؟ دچار اضطراب و عدم آرامش روحی شده و به آینده امید نمی‌خواهد داشت. لذا هیچ‌گونه کوششی برای زندگی بهتر و خلق اهداف متعالی‌تر به عمل نخواهد آورد. ناتوانی این واقعیت است که ما برای رفع بی‌اطمینانی در زندگی چندان کاری نمی‌توانیم انجام دهیم. و منظور از کمیابی این است که چون نیازهای بشر تقریباً نامحدودند، هدف‌ها و ارزش‌ها در جامعه توزیع غیرعادلانه‌ای دارند. از آن‌جا که انسان‌ها در جهان اجتماعی زندگی می‌کنند و همیشه منابع لازم برای برآوردن خواسته‌های حدناپذیر آنان فراهم نیست و غالباً این خواسته‌ها و اهداف با یکدیگر تداخل دارند، بنابراین کمیابی با زندگی انسان همراه است و بی‌شک هر انسانی با آن در اشکال مختلف مواجهه می‌یابد (همان: ۲۰۸-۲۰۷).

و بر

و بر انواع کلی حالات دینی بنیادی را تبیین می‌کند. حالاتی که پاسخ‌هایی در برابر مشکل شر و راه‌هایی برای رستگاری (آرون، ۱۳۸۱: ۶۱۹). به نظر وی «با رواج دین، نفوذ پرده‌مانه آن بر شیوه زندگی قشرهای بسیار ناهمگن روی می‌دهد. مردم به روش‌های گوناگون به تفسیر رابطه اخلاق دینی با موقعیت‌های ناظر بر منافع می‌پردازند به طوری که اخلاق دینی چون کارکردهای صرف این موقعیت‌ها تلقی شده است» (و بر، ۱۳۸۲: ۳۰۶). وی تفاوت‌های ادیان مختلف را با عوامل جامعه‌شناختی تبیین می‌کند. به طوری که از نظر و بر «راه‌های برآورده شدن نیاز به رستگاری، بر وفق جایگاه اجتماعی تغییر می‌پذیرند و در نتیجه ایجاد راه‌حل‌های مسئله رستگاری یک فرایند بسیار اجتماعی است و تحت تاثیر نیروها و ضرورت‌های اجتماعی شکل می‌گیرد» (تامسون و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۰۳). وی پیوند میان انواع دین و گروه‌های خاص اجتماعی و تاثیر انواع دیدگاه‌های دینی بر جنبه‌های زندگی اجتماعی را دنبال می‌کرد. گر چه انسان‌ها همواره در پی کسب آرامش بوده‌اند، اما شیوه‌های تجربه فشار توسط گروه‌ها و روشی که بر اساس آن به تفسیر فشار می‌پردازند، به میزان تمایل‌شان برای اقتباس نوع معینی از نظام معنایی نمادین تغییر می‌کند. وی به نظام‌های معنایی نمادین و قرابت‌های ویژه‌ای علاقه‌مند بود که آن‌ها با شیوه زندگی قشر اجتماعی خاصی دارند (همان: ۱۰۱). بنابراین از نظر و بر گروه‌های گوناگون دیدگاه‌های دینی نسبتاً متفاوتی دارند؛ زیرا مسائل متفاوتی را تجربه می‌کنند که تفاوت‌های میان چشمداشت‌ها و واقعیت‌های

تجربی به صورت‌های گوناگون آن‌ها را به وجود می‌آورند. به نظر وبر بررسی دین در واقع بررسی روابط میان افکار دینی و آن گروه‌های اجتماعی است که حاملان این افکارند (همیلتون، ۱۳۸۷: ۲۳۶).

برگر می‌گوید «دین به نظم مقدس اجتماعی مستقر، ثبات یا مشروعیتی می‌دهد که ماخوذ از منابعی قدرت‌مندتر از تلاش‌های بی‌هدف خود آدمیان است. این کیفیت مقدس که در جوامع مختلف به چیزهای متفاوتی نسبت داده می‌شود (از اشیا یا حیوانات گرفته تا خدایان بزرگ یا نیروهای غیرمتشخص) چیزی است غیر از انسان و در عین حال مرتبط با انسان که او را با واقعیت قدرت‌مندتری غیر از خودش ارتباط می‌دهد. این کیفیت مقدس، زندگی انسان را در نظم معنادار بزرگ‌تری قرار می‌دهد (تامسون و دیگران، ۱۳۸۱: ۳۵). به نظر برگر کارکرد این نظم «این نظم مقدس که انسان را در کار نظم بخشیدن به واقعیت در بر گرفته و تعالی می‌بخشد، مامنی برای او در برابر هراس از بی‌معنایی فراهم می‌کند. داشتن ارتباطی درست با نظم مقدس آدمی را در مقابل خطرات کابوس بی‌نظمی حفاظت می‌کند (همان). به نظر برگر نظام معانی‌ای که انسان‌ها می‌سازند حاصل کاریک فرد نیست و یک تولید اجتماعی است؛ تولید همه مردمی که به یکدیگر وابسته‌اند و در هر کجا و هر زمان که باشند با هم پیوند دارند. با این حال از دید هرکس‌گویی این نظام، وجودی عینی است که خارج از خود او قرار دارد و هر فرد سهمی در این نظام معانی دارد که مافوق افراد است و از لحاظ اجتماعی دارای عینیت خارجی است (توسلی، ۱۳۸۰: ۱۰۷).

نظر به‌های اعتماد

اعتماد فرآیندی است که دارای ابعاد اجتماعی و فردی است و بر همین اساس از اعتمادکننده و اعتماد شونده صحبت می‌شود (محسنی‌تبریزی، ۱۳۸۰: ۲). جانسون نیز در یک رابطه مبتنی بر اعتماد دو عنصر اعتماد کننده و اعتماد شونده را می‌شناسد که در صورت وجود اعتماد، کنشگران دارای صداقت، سهیم کردن، همکاری با یکدیگر، و اعتماد به همدیگر می‌باشند (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۴). از نظر اجتماعی، اعتماد بیشتر به عنوان یک ویژگی جمعی مورد توجه قرار می‌گیرد و برای محصولات نهادی جامعه قابل کاربرد است. در این حوزه، سیستم‌ها یا نظام‌های اجتماعی به عنوان نظام‌های با اعتماد بالا یا پایین ارزیابی می‌شوند (میستال، ۱۹۶۶؛ به نقل از امیرکافی، ۱۳۸۰: ۴۱). در دیدگاه جامعه‌ای استدلال می‌شود که اعتماد خصوصیت نظام اجتماعی و نه افراد است. بر این اساس، مطالعه اعتماد مستلزم رویکردی از بالا به پایین است که بر روی ویژگی‌های سیستمی یا خصوصیات برآمدی^۱ جوامع و نهادهای محوری آن تمرکز دارد. از این منظر اعتماد خصیصه مرکزی شخصیتی افراد نیست بلکه افراد در آن مشارکت می‌کنند، در آن سهم دارند، و از فرهنگ اعتماد داشتن یا از نهادهای اجتماعی و سیاسی که گسترش نگرش‌ها و رفتارهای مبتنی بر اعتماد را تشویق می‌کنند سود می‌برند (همان).

^۱ Emergent Properties

«مدل‌های انتخاب عقلانی همیشه بر مفهوم کنشگران هدف‌مند و نیت‌مند تاکید دارند. این کنشگران توجیحات (ارزشی یا انتفاعی) دارند که برای به دست آوردن نتایجی که دارای سلسله‌مراتب می‌باشند عمل می‌کنند» (آزادارمکی، ۱۳۸۱: ۲۹۹-۲۹۸). فرض بر این است که آدمیان در انتخاب راه‌های مختلف، محاسبه سود و زیان می‌کنند و پس از آن راهی را انتخاب می‌کنند که بیشترین سود را حاصل کند. «گامیتا معتقد است که تنها مسئله‌ای که امکان آسیب دیدن افراد در جامعه را کاهش می‌دهد، اعتماد افراد به یکدیگر است و همین اعتماد به وجود آمده بین افراد پیش شرط مشارکت در زمینه‌های گوناگون در جامعه است» (انعام، ۱۳۸۱: ۲۲).

پاتنام نیز معتقد است: افراد در انجمن‌ها می‌آموزند برای دستیابی به اهداف مشترک همکاری کنند و به همدیگر اعتماد داشته باشند. همکاری‌های موفق، به تمایل برای همکاری بیشتر منجر شده و حتی به بیرون از این انجمن‌ها نیز تسری می‌یابد و اگر بخش زیادی از مردم عضو انجمن‌های متعدد باشند، این روند به کل اجتماعات تسری می‌یابد. اگر انجمن‌های جامعه مدنی گسترش یابند، عضویت در گروه‌ها همپوشانی پیدا کرده و مشارکت به حوزه‌های متعدد زندگی اجتماعی تسری می‌یابد و به تبع آن سطح اعتماد در جامعه افزایش می‌یابد (Putnam, 1993: 183). به نظر وی اعتماد دو بعد دارد: اعتماد رقیق: که از لوازم جامعه‌مدن محسوب می‌شود و بدون آن عملکرد نظام اجتماعی دچار اختلال می‌گردد، اعتماد خاص یا غلیظ: که گستره آن محدود به افراد آشنا است. به نظر او اعتماد رقیق، مفیدتر از اعتماد غلیظ است (Putnam, 2000, 134-5). وی معتقد است که هر چه اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و همکاری نیز اعتماد ایجاد می‌کند. بنابراین اعتماد به عنوان یکی از عناصر ضروری تقویت همکاری، عنصری غیراختیاری و ناآگاهانه نیست اعتماد مستلزم پیش‌بینی رفتاریک بازیگر مستقل است (پاتنام، ۱۳۸۴: ۲۹۲). در جوامع کوچک و به هم پیوسته این پیش‌بینی بر اساس چیزی انجام می‌شود که ویلیامز آن را اعتماد صمیمی می‌نامد؛ یعنی اعتمادی که به آشنایی نزدیک با فرد بستگی دارد. اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر اعتمادی غیرشخصی‌تر یا شکل غیرمستقیمی از اعتماد تعمیم‌یافته و یا اعتماد نهادی اعتماد ضرورت دارد (Williams, 1970: 8).

طرف‌داران رویکرد شناختی تعریفی از اعتماد به دست داده‌اند که هم به عنوان وضعیت ذهنی و هم به عنوان یک نگرش و رابطه اجتماعی قابل دریافت است. در این دیدگاه عناصر ذهنی اعتماد، عقاید و اهداف خاص آن باتوجه ویژه به ارزیابی‌ها و انتظارات هستند که رابطه بین اعتماد و پیش‌زمینه‌های ذهنی را نشان داده‌اند. در این دیدگاه تبیین می‌شود که چرا اعتماد بهتر و مناسب‌تر است و بعضی از مخاطرات ملازم آن را نشان می‌دهند و پیچیده‌ترین شکل‌های اعتماد اجتماعی را بر مبنای نظریه مرتبط با ذهن و به‌ویژه اخلاقیات، حیثیت (وجهه)، گرایش و اقتدار تحلیل می‌کنند (این سه مولفه سه جزء اصلی اعتماد را تشکیل می‌دهند). طرف‌داران رویکرد شناختی تبیین می‌کنند که چرا وعده‌ها، قراردادهای و اقتدار می‌توانند اعتماد ما را به وسیله بازنمودهای ذهنی اصلاحی مان افزایش دهند. آن‌ها سعی می‌کنند قاعده کمی‌شده‌ای از اعتماد

بر مبنای عناصر سازنده آن ارائه دهند و این میزان اعتماد را به عنوان شالوده‌ای برای یک تصمیم عقلانی به کار گیرند. آن‌ها هم‌چنین سعی می‌کنند براساس تعریف خود از اعتماد تبیین کنند که اعتماد کردن چه زمانی عقلانی است و چرا نمی‌توان آن را تعریفی غیرعقلانی تلقی کرد. و بالاخره این‌ها که آن‌ها سعی دارند تحلیلی مفهومی از اعتماد ارائه دهند و از این طریق به کاربرد عملی اعتماد در نظریه اجتماعی یاری رسانند (کستل فرانچی و فالکون، ۱۹۹۷: ۸).

دیدگاه مبادله معتقد است که مبادله اجتماعی بر خلاف مبادله اقتصادی بین افراد اعتماد به وجود می‌آورد و همین اعتماد در سطح خرد باعث دوستی و صمیمیت افراد با یکدیگر می‌شود و در سطح کلان موجب انسجام در جامعه می‌گردد (همان). نظریه پردازان مبادله با تمایز قایل شدن بین دو نوع مبادله (اجتماعی و اقتصادی)، معتقدند که مبادله اجتماعی زمینه مساعدی برای ایجاد اعتماد بین شخصی فراهم می‌کند. البته آنان در مورد این که چرا مبادله اجتماعی برخلاف مبادله اقتصادی زمینه‌ساز اعتماد بین شخصی است اتفاق نظر ندارند. با این وجود، صرف نظر از اختلاف‌های موجود می‌توان استنباط نمود که علت اصلی این است که در مبادلات اجتماعی تعاملات اظهاری غالب است و در مبادلات اقتصادی تعاملات ابزاری چیرگی دارد (امیرکافی، ۱۳۷۴: ۶). از نظر این رهیافت، مبادله اجتماعی نوعی سرمایه اجتماعی نیز محسوب می‌شود و در واقع عاملی برای مشارکت بیشتر افراد در جامعه است.

نظریه‌پردازان کلان نگر مانند دورکیم، زیمل، مارکس، وبر، اینگلههارت، و پوتنام، معتقد به عوامل ساختاری و کلان اعتماد هستند و در بررسی و تحلیل مفهوم اعتماد سطح مطالعه خود را بر روی ساخت اجتماعی متمرکز ساخته‌اند. آنان اعتماد را به عنوان ویژگی روابط اجتماعی و نظام اجتماعی و به طور کلی به عنوان یک ویژگی جمعی مفهوم‌سازی می‌کنند. اما در مقابل نظریه‌های کلان اعتماد، نظریه‌پردازانی چون اریکسون، کلمن، بلاو، و ... در تحلیل و بررسی اعتماد به عوامل فردی و خرد، یعنی عواملی که متاثر از برخوردها، مبادلات و یا ویژگی‌های زیستی، روانی، و شخصیتی فرد یا افراد است، توجه دارند.

به نظر می‌رسد اتخاذ یک دیدگاه ترکیبی در مقایسه با اتکای انحصاری بر هر یک از این دیدگاه‌ها (اعتماد به عنوان ویژگی شخصیتی و فردی یا اعتماد به عنوان ویژگی نظام اجتماعی) می‌تواند ثمربخش و کارآمدتر باشد. چنین دیدگاهی می‌تواند اعتماد را به عنوان مفهومی ارزش‌مند برای چیرگی بر تمایز بین سطح کلان و خرد مطرح سازد. آن‌ها درحالی که کار خود را با انتظارات مردم شروع می‌کنند، اعتماد را به عنوان بعدی از ساخت اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهند که به شکل کامل و منحصری نمی‌تواند در سطح روان‌شناختی یا در سطح نهادی مطالعه شود بلکه برای درک آن، ویژگی روان‌شناختی و سطح نهادی باید به طور همزمان مورد توجه قرار گیرند (میستال، ۱۹۶۶؛ به نقل از امیرکافی، ۱۳۸۰: ۴۱). مناسب‌ترین راه برای بررسی جامع و همه جانبه اعتماد، هم از طریق پرداختن به وجه کنش، و هم از طریق پرداختن به وجه ساخت اجتماعی مفهوم اعتماد است. در بینابین نظریه‌های خرد و کلان اعتماد نظریه‌پردازانی چون

گیدنز نیز هر گونه تقلیل‌گرایی در بررسی مفهوم اعتماد را رد کرده و بر ارتباط پدیده‌های خرد و کلان و ترکیب و تلفیق این سطح در تحلیل و بررسی اعتماد اجتماعی تأکید می‌کنند. گیدنز می‌گوید: «هر بررسی تحقیقی در علوم اجتماعی یا تاریخ، باید کنش را با ساختار مرتبط سازد. درست نیست که بگوئیم ساختار کنش را تعیین می‌کند و برعکس» (ریتزر، ۱۳۷۷: ۷۷۱). چلبی نیز اعتماد را مساله ماهوی نظام اجتماعی قلمداد کرده است (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۶).

تحقیقات داخلی و خارجی انجام یافته در ارتباط با موضوع

جولین راتر در بررسی رابطه بین دین‌داری و اعتماد به این نتیجه دست می‌یابد که میان دین‌داری و اعتماد میان فردی، رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. در این بررسی، دانشجویانی که عقاید مذهبی داشتند نسبت به آن‌هایی که چنین عقایدی را نداشتند بیشتر اعتماد می‌کردند. هم‌چنین مرتبه اجتماعی - اقتصادی فرد با درجه اعتماد میان فردی رابطه مثبتی را نشان داده است (شولتز، ۱۳۷۹: ۵۰۶).

در تحقیقات ولچ، سه جنبه برای اعتماد در نظر گرفته شد. سطح عمومی اعتماد، اعتماد به همکاران و اعتماد به همسایه‌ها. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که اهتمام دینی به تنهایی مکانیسمی برای اعتماد اجتماعی و این که افراد مشارکت دموکراتیک داشته باشند، فراهم نمی‌کند و شاید نظام‌های اعتقادی و فرهنگ‌های خاص خرده گروه‌های دینی اهمیت و تأثیر بیشتری در ایجاد رابطه میان دین‌داری و اعتماد داشته باشند (Welch, etal, 2004).

در تحقیق دیگری نیز که کاهو در ۱۹۷۴ انجام داده است به این نتیجه دست یافته است که دین‌داری درونی با مسئولیت‌پذیری همبستگی مثبتی دارد. در تحقیق برکلین و همکاران (۱۹۸۷) نیز که رابطه دین‌داری با ویژگی مردم‌آمیزی بررسی شده بود، به این نتیجه دست یافتند که دین‌داری درونی با مردم‌آمیزی از همبستگی مثبتی برخوردار است (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۵: ۳۶۴).

همین موضوع در داخل کشور نیز به انحای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله ناییبی و زاهدی (۱۳۸۰) در بررسی "نقش دین‌داری در ممانعت از بزهکاری جوانان شهر تهران" به تحلیل جامعه-شناختی از دین‌داری به منزله راهکاری برای مقابله با معضل بزهکاری جوانان پرداخته‌اند. آنان نشان می‌دهند که بین ابعاد دین‌داری و میزان بزهکاری در بین دو گروه جوانان عادی (غیربزهکار) و زندانی (بزهکار) رابطه وجود دارد. نتایج حاصل از تحلیل چند متغیری بیانگر آن است که تنها بعد پیامدی دین‌داری تأثیر مستقیم بر بزهکاری داشته و بیشترین سهم را در تبیین ممانعت از بزهکاری جوانان به خود اختصاص داده است (ناییبی و دیگری: ۱۳۸۵: ۱۸۰).

عباس‌زاده (۱۳۸۴) نیز در پژوهشی با عنوان "عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی دانشجویان" نشان می‌دهد که امنیت اجتماعی، پای‌بندی به نقش اجتماعی، همکاری، سرمایه اجتماعی و تعاملات ابزاری به ترتیب مؤثرترین عوامل تأثیرگذار بر اعتماد اجتماعی هستند (عباس‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۸۳).

اجاقلو و زاهدی در "بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن" در بین ساکنان شهر زنجان نشان می‌دهند که بین متغیر سنت‌گرایی، پایگاه اجتماعی، سن، جنس، وضعیت تأهل، مدت اقامت در شهر، نوع زبان، میزان تماشای تلویزیون و رفتن به سینما با اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد. اما بین سنت‌گرایی و منطقه سکونت به عنوان یکی از ابعاد پایگاه اجتماعی و نیز بین تحصیلات و میزان مطالعه افراد با اعتماد اجتماعی رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد (اجاقلو و دیگری، ۱۳۸۴: ۹۲).

منصوریان و قدرتی در تحقیقی با عنوان "اعتماد اجتماعی و تعیین‌کننده‌های آن: رهیافت نهادمحور یا رهیافت جامعه‌محور؟" (مطالعه موردی سبزوار) نشان می‌دهند که بین تجربه تبعیض، فساد، احساس امنیت اجتماعی، اعتماد نهادی و سن، با اعتماد رقیق رابطه معنادار وجود دارد. جهت رابطه برای دو متغیر اول، معکوس و برای باقی متغیرها، مستقیم می‌باشد. اما رابطه متغیرهای میزان عضویت در گروه‌های رسمی، میزان استفاده از رسانه‌ها، میزان عضویت در گروه‌های غیر رسمی، تحصیلات، درآمد و مرتبه شغلی معنادار نیست. در آزمون چند متغیره، متغیرهای اعتماد نهادی، فساد، امنیت اجتماعی و سن، در مجموع ۵۳ درصد از واریانس متغیر وابسته اعتماد رقیق را تبیین کردند.

در یک جمع‌بندی باید گفت که دین جامعه را متحد، همبستگی اجتماعی را تقویت و انسجام اجتماعی را حفظ می‌کند. دین هم‌چنین یگانگی افراد جامعه با همدیگر را تقویت کرده و جدایی آنان از اعضای دیگر گروه‌ها را تشدید می‌کند. همین دسته‌بندی می‌تواند عاملی برای گسترش انسجام درون‌گروهی در برابر گروه‌های بیرونی گردد که پیرو عقاید و نظام فکری متفاوتی نسبت به گروه خودی هستند. دین با ایجاد یک روح جمعی، شور و شوق مذهبی و گسترش احساسات همگانی از طریق مناسک و مراسم جمعی می‌تواند زمینه‌های لازم برای پیوند میان اعضا و اعتماد و انسجام اجتماعی را فراهم آورد. از این رو با استناد به استدلال‌های کارکردگرایان درباره کارکرد دین، این فرضیه کاملاً پذیرفتنی به نظر می‌رسد که دین‌داری اثر مثبتی بر اعتماد دارد. به این ترتیب که افراد دین‌دار که ارتباط گسترده و پیوند قوی‌تری با افراد جامعه خود دارند، احتمالاً شبکه‌های ارتباطی گسترده‌ای نیز دارند و ارتباط گسترده اجتماعی زیاد نیز به نوبه خود باعث ارتقای اعتماد افراد به یکدیگر می‌شود.

به نظر می‌رسد که تعریف شجاعی زند از دین‌داری همخوانی بیشتر و عام‌تری با جامعه دینی مورد بررسی دارد و بر همین اساس می‌توان در مورد نحوه اثرگذاری دین‌داری بر اعتماد اجتماعی از تبیین و تعریف شجاعی زند بهره برد. بنا بر تعریف شجاعی زند دین‌داری شامل سه بعد اعتقادی، ایمانی و شرعی می‌باشد که برای سنجش سطح دین‌داری بایستی به هر سه بعد توجه نمود. در همین راستا در تبیین نحوه اثرگذاری دین‌داری بر اعتماد اجتماعی می‌توان گفت که افراد دین‌دار در بعد اعتقادی به مواردی اعتقاد دارند که این موارد با بعد ذهنی انسان در ارتباط بوده و ملکه ذهن انسان می‌گردد. به عنوان مثال چنان که فردی به قیامت و رسیدگی به اعمال انسان اعتقاد داشته باشد، دیگران را نیز بر همین اعتقاد پنداشته و

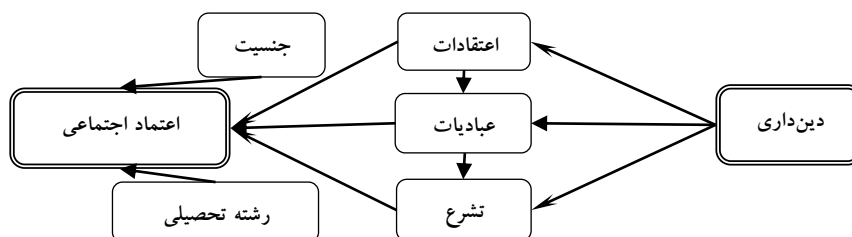
نسبت به آنان در سطح اجتماعی اعتماد خواهد داشت. بعد ایمانی یا عبادی دین‌داری بعد عاطفی دین بوده و ناظر بر بعد روانی افراد در جامعه می‌باشد. این بعد آن را از بعد ذهنی خارج کرده و در سطح عملی شامل انجام عبادات و دستورات عبادی می‌شود. در این سطح از دین‌داری فرد دین‌دار با تقید به انجام اعمال عبادی، متخلق و اهل معنا بوده و عملکرد اخلاقی را وجهه نظر خود قرار می‌دهد. همین امر تا اندازه زیادی زمینه ایجاد شبکه گسترده‌ی ارتباطی و به تبع آن پیدایش اعتماد اجتماعی را فراهم می‌آورد. سومین بعد از دین‌داری نیز متشرع بودن می‌باشد که بر حفظ ظواهر دینی و هویت دینی و اهتمام به شعائر دینی اشعار دارد. فرد متشرع در امور دینی مشارکت و معاشرت خواهد داشت و این اهتمام دینی را حتی در سطح خانواده خود نیز رعایت خواهد کرد. همین امر نقش مهمی در گسترش شبکه ارتباطی فرد ایفا خواهد کرد و موجب افزایش سطح اعتماد اجتماعی در وی خواهد شد. بنابراین می‌توان دید که دین‌داری به ویژه از طریق گسترش دامنه شبکه ارتباطی نقش مهمی در افزایش سطح اعتماد اجتماعی ایفا می‌کند. افرادی که همبستگی اجتماعی پایینی با جامعه خود دارند، در انزوا فرو می‌روند و افزایش انزوای اجتماعی سطح اعتماد اجتماعی افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در نتیجه کسانی که سطح دین‌داری بالایی دارند، سطح اعتماد اجتماعی در این گونه افراد بالاتر است. از این رو با توجه به استدلال‌هایی که مطرح شد، می‌توان گفت که دین‌داری با تاثیر مثبت بر گسترش شبکه اجتماعی می‌تواند موجب ارتقای سطح اعتماد اجتماعی گردد.

فرضیه‌ها و مدل تحقیق

بر اساس پیشینه نظری و تجربی تحقیق، فرضیه‌های زیر به طور منطقی قابل استنتاج می‌باشند:

- بین ابعاد سه‌گانه‌ی دین‌داری (اعتقادات، عبادیات، و متشرع بودن) و اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز رابطه وجود دارد.
- میزان اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان شاغل به تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز از نظر جنسیت، وضعیت تاهل، و رشته‌های مختلف تحصیلی متفاوت است.

بر اساس نظریه‌ها و پژوهش‌های مطرح شده و نیز فرضیه‌های تحقیق، رابطه نظری بین متغیرها در تحقیق حاضر به شکل زیر قابل ترسیم است:



شکل شماره (۱): مدل نهایی تحقیق

لیکن باید توجه داشت که گستردگی نهاد دین در جوامع انسانی و به خصوص در ایران موجب می‌شود که مکانیسم تاثیر دین بر اعتماد اجتماعی تک خطی نباشد بلکه از مسیرهای مختلف و تاثیر بر روی متغیرهای دیگر بر اعتماد اجتماعی موثر باشد که در این جنسیت و رشته تحصیلی پاسخگویان نیز به عنوان متغیر مستقل با متغیر وابسته در ارتباط قرار داده شده است.

روش اجرای تحقیق

به اقتضای موضوع و با توجه به امکانات، روش پیمایشی به منزله مناسب‌ترین روش برای گردآوری اطلاعات مدنظر قرار گرفت. جامعه آماری نیز شامل کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ می‌باشد که بر اساس استعلام به عمل آمده از معاونت دانشجویی دانشگاه، تعداد آنان ۳۳۵۸ نفر می‌باشد. با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران با خطای ۰/۰۵ و دقت برآورد $d=0/050$ حجم نمونه ۳۴۵ نفر برآورد شد.

روش نمونه‌گیری شامل دو مرحله بود: نخست روش نمونه‌گیری به صورت احتمالی متناسب با حجم، و سپس روش نمونه‌گیری احتمالی تصادفی ساده. بدین شکل که ابتدا دانشجویان صرف نظر از دانشکده‌هایی که در آن مشغول به تحصیل بودند در چهار گروه علوم پایه، علوم انسانی، معماری و هنر، و فنی و مهندسی دسته‌بندی و نسبت دانشجویان در هر کدام از گروه‌ها مشخص شد و در ادامه حجم نمونه بر اساس نسبت‌های مشخص شده برای هر کدام از گروه‌ها (نمونه‌گیری متناسب با حجم)، نسبت‌بندی شد. محقق در این مرحله به همان شیوه قبلی سهم هر کدام از دانشکده‌ها از نمونه مربوط به گروه را مشخص کرده و با مراجعه به دانشکده‌های مربوطه پرسشنامه‌ها را تکمیل نمود. برای کسب بالاترین شانس انتخاب، نهایت دقت به عمل آمده و تلاش شد اطلاعات مورد نیاز به طور متناسب از گروه‌های سنی و جنسی و حتی از دانشجویان بومی و غیر بومی جمع‌آوری شود.

ابزار تحقیق پرسشنامه محقق ساخته و قابل تکمیل توسط پاسخگو بود که پس از احراز اعتبار و پایایی مورد استفاده قرار گرفت. اعتبار پرسشنامه مبتنی بر اعتبار محتوا بود. به همین منظور، پرسشنامه تدوین شده به اساتید و متخصصان نشان داده شده و از نظرات آن‌ها برای تصحیح پرسشنامه کمک گرفته شد. با توجه به این که رایج‌ترین و مناسب‌ترین روش برای سنجش پایایی طیف لیکرت، ضریب آلفای کرونباخ است، برای آزمون پایایی، اطلاعات مورد نیاز از یک نمونه ۳۰ نفری گردآوری و به کمک نرم افزار SPSS، میزان آلفای کرونباخ برای متغیرهایی که به صورت سازه تهیه شده بودند محاسبه گردید.

در طراحی گویه‌ها، اعتماد اجتماعی شامل مواردی چون تمایلات همکاری‌جویانه، گرایش به ورزش‌های گروهی و روابط اجتماعی، میل به فعالیت‌های مشارکتی و روابط گسترده با دیگران، و ... می‌باشد. برای متغیر دین‌داری هم که شامل سه بعد اعتقادی، عبادی و متشرع بودن می‌شد، سوالاتی طراحی شد

که با طیف بسته لیکرت با گزینه‌های پنج‌تایی در پاسخگویان مورد سنجش قرار گرفتند. در جدول شماره (۱) میزان پایایی هر کدام از این متغیرها که بر حسب آلفای کرونباخ محاسبه شده است، ارائه شده است.

جدول شماره (۱): میزان پایایی سوالات مربوط به مولفه‌های اعتماد اجتماعی و دین‌داری

نام مولفه	اعتماد اجتماعی	اعتقادات	عبادات	متشرع بودن
میزان آلفای کرونباخ	۰/۷۷	۰/۸۸	۰/۸۶	۰/۷۰

یافته‌های توصیفی

اطلاعات گردآوری شده از میان نمونه آماری نشان از آن دارد که ۴۵/۵ درصد از پاسخگویان مرد و ۵۴/۵۶ درصد از پاسخگویان زن بوده‌اند. حدود یک درصد از پاسخگویان نیز جنسیت خود را اعلام نکرده‌اند. هم‌چنین در خصوص وضعیت تاهل پاسخگویان نیز باید گفت که ۵۱/۶ درصد از پاسخگویان مجرد و ۴۷ درصد متأهل بوده و ۱/۴ درصد از پاسخگویان وضعیت تاهل خود را مشخص نکرده‌اند. ۱۳/۶ درصد از پاسخگویان در شاخه تحصیلی علوم پایه، ۶۰/۶ درصد در شاخه تحصیلی علوم انسانی، ۲/۳ درصد در شاخه تحصیلی معماری و هنر و ۲۳/۵ درصد در شاخه تحصیلی فنی و مهندسی مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی مشغول به تحصیل بوده‌اند.

جدول شماره (۲): یافته‌های توصیفی جامعه آماری

مولفه	جنسیت		وضعیت تاهل				شاخه تحصیلی			
	مرد	زن	متاهل	مجرد	نامشخص	انسانی	پایه	معماری فنی		
درصد	۴۵/۵	۵۳/۵	۱	۴۷	۵۱/۶	۱/۴	۱۳/۶	۶۰/۶	۲/۳	۲۳/۲

دین‌داری در سه بعد اعتقادی، عبادی و تشرع مورد سنجش قرار گرفت. بررسی پاسخ‌های داده شده نشان می‌دهد که حداقل و حداکثر میزان اعتقادات پاسخگویان بین ۵۵-۱۱ می‌باشد. میانگین بعد اعتقادی دین‌داری در میان پاسخگویان ۴۸/۴، با انحراف معیار ۷/۳۴۱ می‌باشد. مقدار کشیدگی (۲/۲۸۵) و مقدار چولگی (۱/۳۶۷-) می‌باشد. هم‌چنین حداقل و حداکثر میزان انجام امور عبادی پاسخگویان بین ۳۶-۰ می‌باشد. میانگین بعد عبادی دین‌داری در میان پاسخگویان ۲۱/۲۵، با انحراف معیار ۶/۴۴۳ می‌باشد. مقدار چولگی (۰/۳۴۲-)، و مقدار کشیدگی (۰/۵۹۸) می‌باشد. بعد تشرع یا میزان تقید به امور شرعی از سوی پاسخگویان از دیگر مولفه‌های دین‌داری می‌باشد که بر اساس مقیاس به کار برده شده حداقل و حداکثر میزان انجام امور عبادی پاسخگویان بین ۳۵-۷ می‌باشد. میانگین بعد تشرع دین‌داری در میان پاسخگویان ۲۷/۳۰، با انحراف معیار ۵/۹۶۲ می‌باشد. مقدار چولگی (۰/۶۹۹-) و مقدار کشیدگی (۰/۰۴۸) می‌باشد. متغیر وابسته نیز میزان اعتماد اجتماعی بوده است که حداقل و حداکثر میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان

بین ۳۳-۷۰ می‌باشد. میانگین میزان اعتماد اجتماعی در میان پاسخگویان ۵۰/۶۰، با انحراف معیار ۶/۷۲۶ می‌باشد. مقدار چولگی (۰/۰۴۸) و مقدار کشیدگی (۰/۱۲۲-) می‌باشد (جدول شماره ۳).

جدول شماره (۳): توزیع پراکندگی متغیرهای تحقیق

متغیر	حداقل و حداکثر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
اعتقادی	۱۱-۵۵	۴۸/۴	۷/۳۴۱	-۱/۳۶۷	۲/۲۸۵
عبادی	۰-۳۶	۲۵/۲۱	۶/۴۴۳	-۰/۳۴۲	۰/۵۹۸
تشریح	۷-۳۵	۲۷/۳۰	۵/۹۶۲	-۰/۶۹۹	۰/۰۴۸
اعتماد	۳۳-۷۰	۵۰/۶۰	۶/۷۲۶	۰/۰۴۸	-۰/۱۲۲

یافته‌های تبیینی

- بین سطح اعتقادات و سطح اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز رابطه وجود دارد. با توجه به مقادیر $(r=0/346; p<0/001)$ ، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که همبستگی مثبت و معنا-داری بین میزان اعتقادات پاسخگویان و سطح اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز وجود دارد.

جدول شماره (۴): نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین میزان اعتقادات و میزان اعتماد اجتماعی

متغیر	تعداد	همبستگی پیرسون	سطح معناداری
میزان اعتقادات و میزان اعتماد اجتماعی	۳۴۵	۰/۳۴۶	۰/۰۰۰

- بین سطح عبادیات و سطح اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز رابطه وجود دارد. با توجه به مقادیر $(r=0/251; p<0/001)$ ، نتایج به دست آمده نشان داد که همبستگی مثبت و معناداری بین میزان انجام امور عبادی توسط پاسخگویان و سطح اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز وجود دارد.

جدول شماره (۵): نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین میزان انجام عبادات و میزان اعتماد اجتماعی

متغیر	تعداد	همبستگی پیرسون	سطح معناداری
میزان انجام عبادات و میزان اعتماد اجتماعی	۳۴۵	۰/۲۵۱	۰/۰۰۰

- بین میزان متشرع بودن و میزان اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز رابطه وجود دارد.

با توجه به مقادیر $(r=0/354; p<0/001)$ نتایج به دست آمده نشان داد که همبستگی مثبت و معنا-داری بین میزان متشرع بودن پاسخگویان و سطح اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز وجود دارد.

جدول شماره (۶): نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین میزان متشرع بودن و میزان اعتماد اجتماعی

متغیر	تعداد	همبستگی پیرسون	سطح معناداری
میزان متشرع بودن و میزان اعتماد اجتماعی	۳۴۵	۰/۳۵۴	۰/۰۰۰

- میانگین سطح اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان زن و مرد مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز متفاوت است.

نتیجه تست لون نشان می‌دهد که با توجه به مقادیر $(t=-0/282; p>0/05)$ ، واریانس دو گروه با هم برابر است و نمی‌توان فرض برابری واریانس‌ها را رد کرد. پس می‌توان نتیجه گرفت که سطح اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان زن و مرد در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز تفاوت معناداری ندارد.

جدول شماره (۷): آزمون تی مقایسه سطح اعتماد اجتماعی دانشجویان زن و مرد

جنسیت	t	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین
زن	-۰/۲۸۲	۳۴۰	۰/۷۷۸	-۰/۲۰۷
مرد	-۰/۲۸۴	۳۳۸/۵۵۱	۰/۷۷۶	-۰/۲۰۷

- سطح اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان مجرد و متأهل شاغل به تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز متفاوت است

نتیجه تست لون نشان می‌دهد که با توجه به مقادیر $(t=-2/161; p<0/05)$ ، واریانس دو گروه با هم برابر نیست و می‌توان فرض برابری واریانس‌ها را رد کرد. بنابراین می‌توان گفت که سطح اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان مجرد و متأهل شاغل به تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۸): آزمون تی مقایسه سطح اعتماد اجتماعی دانشجویان مجرد و متأهل

جنسیت	t	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین
مجرد	-۲/۱۶۱	۳۳۸	۰/۰۳۱	-۰۱/۵۷۸
متأهل	-۲/۱۷۹	۳۳۶/۰۰۹	۰/۰۳۰	-۱/۵۷۸

- میزان اعتماد اجتماعی در میان شاغلین به تحصیل در شاخه‌های مختلف تحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز متفاوت است.

نتیجه تست لون نشان داد که با توجه به مقادیر $(t=0/754; p>0/05)$ ، واریانس دو گروه با هم برابر است، لیکن با توجه به مقادیر $(F=1/739$ و $Sig>0/05)$ ، می‌توان گفت که میانگین سطح اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان شاغل به تحصیل در شاخه‌های مختلف تحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز متفاوت نیست و فرضیه مورد تایید قرار نمی‌گیرد.

جدول شماره (۹): آزمون تحلیل واریانس میزان اعتماد اجتماعی بر اساس شاخه تحصیلی

متغیر	گروه‌ها	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	معناداری
اعتماد اجتماعی	بین گروه‌ها	۲۳۴/۵۲۶	۳	۷۸/۱۷۵		
	درون گروه‌ها	۱۵۳۲۶/۴۷۱	۳۴۱	۴۴/۹۴۶	۱/۷۳۹	۰/۱۵۹
	کل	۱۵۵۶۱/۹۹۷	۳۴۴			

هم‌چنین در پایان به منظور تعیین سهم هر یک از متغیرهای مطرح شده در فرضیه‌ها در تبیین واریانس متغیر تحت مطالعه، از روش رگرسیون چندگانه سلسله مراتبی استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیونی مقدار F در جدول ANOVA با مقادیر $(F(1,344)=15/139, P<0/001)$ نشان داد که در تمامی متغیرها مدل از نظر آماری در سطح ۹۹٪ معنادار و خطی می‌باشد و از میان متغیرهای وارد شده در مدل، متغیرهای ابعاد سه‌گانه دین‌داری و وضعیت تاهل در مجموع توانسته‌اند ۱۵/۱ درصد از واریانس اعتماد اجتماعی را تبیین نمایند.

جدول شماره (۱۰): رگرسیون سلسله مراتبی چندگانه اعتماد اجتماعی

مرحله	متغیر	β	ضریب تبیین	ضریب تبیین اصلاحی	B	درجه آزادی	F	سطح معناداری
۱	اعتقادات	۰/۱۹۱	۰/۱۲۰	۰/۱۱۷	۰/۱۷۵	۱ و ۳۴۴	۴۶/۶۳۹	۰/۰۰۰
۲	عبادات	-۰/۰۶۰	۰/۱۳۲	۰/۱۲۶	۰/۰۶۲	۲ و ۳۴۴	۲۵/۸۹۹	۰/۰۰۰
۳	تشریح	-۰/۱۹۸	۰/۱۵۱	۰/۱۴۴	۰/۲۲۳	۳ و ۳۴۴	۲۰/۲۴۴	۰/۰۰۰
۴	تاهل	-۰/۰۰۲	۰/۱۵۱	۰/۱۴۱	-۰/۰۰۱	۴ و ۳۴۴	۱۵/۱۳۹	۰/۰۰۰

$$Total R^2 = 0.151; Adj. R^2 = 0.141, F_{(4,344)} = 15.139, P < 0.001$$

بحث و نتیجه‌گیری

زن و مجرد بودن اکثر پاسخگویان بدان معناست که زنان و دختران علاقه بیشتری به ادامه تحصیل و کسب مدارج تحصیلی بالاتر دارند و ترجیح می‌دهند ازدواج را تا کسب مراتب علمی بالاتر به تأخیر بیندازند که خود این امر بر سطح تجربیات و در نتیجه چگونگی اعتماد آنان به دیگر اقدار جامعه تأثیر می‌گذارد. هم‌چنین نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که سطح بعد اعتقادی دین‌داری در میان پاسخگویان بالا بوده و میانگین سطح اعتقادات پاسخگویان به حداکثر میزان سطح اعتقادات نزدیک‌تر می‌باشد. این امر حاکی از آن است که نمونه آماری از نظر اعتقادی در سطح بالایی (نسبت به میانگین) قرار داشته و نهادهای متولی در ارائه مفاهیم مربوط به بعد اعتقادی دین‌داری موفق عمل کرده‌اند. هر چند این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که چولگی شدید حاکی از وجود پراکندگی بیشتر در میان نظرات پاسخگویان از نظر سطح پایین اعتقادات است. نتایج به دست آمده از سنجش بعد عبادی دین‌داری نیز حاکی از نزدیکی میانگین انجام اعمال عبادی توسط پاسخگویان با بالاترین سطح جامعه آماری می‌باشد و بخش عمده‌ای از پاسخگویان نسبت به انجام اعمال عبادی تقید بیشتری دارند. اگر چه هم راستا با نتایج به دست آمده در بعد اعتقادی دین‌داری در این بعد نیز در زمینه عدم انجام اعمال عبادی پراکندگی دیده می‌شود. هم‌چنین بررسی یافته‌های مربوط به تشریح دین‌داری حاکی از آن است که دانشجویان شاغل به تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی تقید بیشتری به تشریح دارند چرا که میانگین امتیازات کسب شده به بالاترین میزان کسب شده از سوی پاسخگویان نزدیک‌تر است. با وجود این که میزان پراکندگی نظرات در زمینه عدم تقید به بعد شرعی دین‌داری مانند موارد قبلی بوده و حتی بیشتر نیز می‌باشد، لیکن تراکم بیشتر نظرات پاسخگویان در اطراف میانگین نشان از تقید بخش گسترده‌ای از پاسخگویان به امور شرعی دارد.

در زمینه سطح اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان نیز باید گفت که متاسفانه میزان این متغیر پایین است به گونه‌ای که میانگین امتیازات کسب شده توسط پاسخگویان در زمینه میزان اعتماد اجتماعی از بالاترین میزان کسب شده فاصله بیشتری داشته و اندکی به پایین‌ترین میزان کسب شده نزدیک‌تر است. مقدار چولگی نیز بیان‌گر پراکندگی بیشتر نظرات پاسخگویان در زمینه داشتن اعتماد بیشتر است. وجود همبستگی زیاد بین بعد اعتقادی دین‌داری و اعتماد اجتماعی بدان معناست که به هر اندازه که افراد اعتقاد بیشتری به دین داشته باشند به همان اندازه میزان اعتماد بیشتری برخوردار خواهند بود. بنابراین می‌توان با افزایش سطح اعتقادی به افزایش اعتماد اجتماعی کمک کرد. مشابه همین امر را در بعد عبادی دین‌داری نیز می‌توان مشاهده نمود. چرا که به هر میزان که افراد در انجام اعمال عبادی از خود جدیت نشان دهند، به همان اندازه میزان اعتماد اجتماعی آنان افزایش می‌یابد. مثلاً با افزایش حضور افراد در مراسم عبادی جمعی چون نماز جمعه و جماعت و یا مجالس جشن و سرور و یا عزاداری، پیوندهای شبکه‌ای این افراد گسترش یافته و زمینه افزایش سطح اعتماد اجتماعی بیشتر می‌شود.

باتوجه به این که میزان اعتماد اجتماعی در میان این زنان و مردان تفاوت معناداری نداشت، علت این امر را می‌توان در حضور فعالانه هر دو قشر جامعه در صحنه‌های مختلف زندگی اجتماعی دانست. امروزه با گسترش رسانه‌های ارتباط جمعی و فراهم شدن امکان تحصیل تا عالی‌ترین سطوح هم برای مردان و هم برای زنان، امکان کسب تجربه در تمامی مراحل برای زنان و مردان به طور یکسان فراهم آمده است، می‌توان گفت که تاثیر این تجربه‌ها در شکل‌گیری اعتماد اجتماعی در میان زنان و مردان تفاوت معناداری نداشته است. هم‌چنین بررسی‌ها نشان داد که متاهلین نسبت به مجردین از اعتماد اجتماعی بیشتری برخوردار هستند. علت این امر را این‌گونه می‌توان تبیین کرد که دانشجویان متاهل در مقایسه با دانشجویان مجرد از پیوندهای شبکه‌ای گسترده‌تری برخوردار می‌باشند که همین گستردگی پیوندهای شبکه‌ای بر بالا بودن میزان اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان متاهل تاثیر می‌گذارد.

عدم وجود تفاوت معنادار در میزان اعتماد اجتماعی در میان شاغلین به تحصیل در شاخه‌های مختلف تحصیلی مقطع کارشناسی ارشد نیز نشان از آن دارد که اعتماد اجتماعی از آن‌چه که دانشجویان در رشته خاص تحصیلی خود می‌آموزند تاثیر نمی‌پذیرد و دروسی که دانشجویان مشغول به یادگیری آن هستند در زمینه افزایش یا کاهش سطح اعتماد اجتماعی مطلب خاصی به آنان ارائه نمی‌دهد. در نهایت بر اساس تحلیل رگرسیون، عمده‌ترین عوامل اثرگذار بر میزان اعتماد اجتماعی، ابعاد سه‌گانه دین‌داری بودند که توانستند ۱۵/۱ درصد از تغییر در میزان اعتماد اجتماعی را تبیین کنند و عوامل جمعیت‌شناختی نتوانستند در کنار ابعاد سه‌گانه دین‌داری نقش بسزایی ایفا نمایند.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان اظهار داشت که یافته‌های تحقیق حاضر حاکی از وجود رابطه معنادار و نسبتاً قوی بین ابعاد مختلف دین‌داری و اعتماد اجتماعی می‌باشد. این یافته‌ها هم راستا با یافته‌های جولین راتر است که از کارکرد دین در ابعاد مختلف حیات اجتماعی و تاثیر و تاثر متقابل آن‌ها حکایت داشتند. بدین معنی که تدین از طریق ایجاد ذهنیت‌های انسجام‌بخش و یا ایجاد پیوندهای شبکه‌ای بر افزایش سطح و میزان اعتماد اجتماعی اثر می‌گذارد و نقش مثبتی در جامعه ایفا می‌نماید. هم‌چنین این تحقیق هم راستا با تحقیقات ولچ است که معتقد است نظام‌های اعتقادی و فرهنگ‌های خاص خرده گروه‌های دینی اهمیت و تأثیر بیشتری در ایجاد رابطه میان دین‌داری و اعتماد دارند.

اگرچه پیش‌دآوری‌ها و نگرش‌های غلط عامه حکایت از ضعف دین‌داری در میان دانشجویان دارد، لیکن یافته‌های تحقیق نشان داد هم سطح دین‌داری در این قشر جامعه بالاست و هم رابطه مثبت و معناداری بین این دو متغیر در جامعه دانشگاهی برقرار است. باید توجه داشت که اگر چه بین ابعاد مختلف دین‌داری و اعتماد اجتماعی همبستگی معنادار و مثبتی برقرار بود، لیکن میانگین سطح اعتماد اجتماعی به سطح پایین جامعه نزدیک‌تر بود و این نشان می‌دهد که عوامل دیگری نیز وجود دارند که همبستگی معکوسی با اعتماد اجتماعی دارند و نقش موثرتری در این زمینه ایفا می‌کنند.

پیشنادهای پژوهشی

باتوجه به این که در این تحقیق تاثیر متغیر مقطع تحصیلی به طور مستقل مورد سنجش قرار نگرفته است، پیشنهاد می‌شود مشابه همین بررسی در میان دانشجویان شاغل به تحصیل در سایر مقاطع تحصیلی و نیز دانشجویان دانشگاه‌های دیگر نیز صورت گیرد، تا امکان مقایسه بین مقاطع مختلف تحصیلی و نیز دانشگاه‌های مختلف از نظر وجود رابطه بین دین‌داری و اعتماد اجتماعی فراهم گردد. از آن جا که بیشتر پژوهش‌هایی که درباره نگرش‌ها و باورها صورت می‌گیرند (از جمله تحقیق حاضر) از نوع مقطعی هستند، لازم است طی فواصل زمانی چنین تحقیقاتی تجدید شوند تا روند تغییرات نگرش‌ها و باورها مورد بررسی و عوامل موثر بر آن دقیق‌تر شناسایی شوند.

پیشنهاد می‌شود تحقیق حاضر در میان سایر گروه‌ها و اقشار جامعه نیز به آزمون گذاشته شود تا مشخص شود که دیگر عوامل اثرگذار بر رابطه این متغیرها ناشی از چه عواملی می‌توانند باشند.

نظریه‌های دیگری که به ابعاد دیگری از عوامل موثر بر اعتماد اجتماعی پرداخته‌اند، در کنار ابعاد مختلف دین‌داری و یا باترکیب با آن قدرت بیشتری برای تبیین واریانس اعتماد اجتماعی خواهند داشت. بنابراین، شایسته است سایر زمینه‌های اعتماد اجتماعی (با ابعادی گسترده‌تر از آن چه که در این بررسی مورد مطالعه قرار گرفته است) در میان همین جامعه آماری و جامعه‌های آماری دیگر بررسی شود.

پیشنادهای کاربردی

پیشنهاد می‌شود دانشگاه آزاد اسلامی در سر فصل‌های آموزشی ارائه شده به دانشجویان در دروسی چون اخلاق و تربیت اسلامی، نقش و اهمیت بیشتر و قابل توجه‌تری به مباحث اجتماعی و تاثیر تعیین کننده‌های اجتماعی داده و دانشجویان را به سمت دین‌داری و اعتماد اجتماعی بیشتر سوق دهند.

از آن جایی که یافته‌های تحقیق نشانگر سطح پایین اعتماد اجتماعی و تاثیر ابعاد مختلف دین‌داری بر آن می‌باشد، پیشنهاد می‌شود وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های فرهنگی با ارائه تبلیغات موثر فرهنگی، نقش و اهمیت ویژه‌ای به بحث اعتماد اجتماعی داده و نسبت به تقویت این ویژگی در سطح جامعه اقدام نماید.

به دلیل پایین بودن سطح اعتماد اجتماعی در نمونه آماری، پیشنهاد می‌شود دست‌اندرکاران رسانه ملی در تهیه و پخش برنامه‌ها اثرات مثبت یا منفی آن‌ها را در نظر داشته و ضمن آشنایی دقیق با اثراتی که تولیدات آن‌ها بر اعتماد اجتماعی می‌گذارد، خود را از مشاوره با متخصصین امر بی‌نیاز ندانند.

منابع

- آزاد ارکی، ت؛ و دیگری. (۱۳۸۱). اعتماد، اجتماع و جنسیت، بررسی تطبیقی اعتماد متقابل بین دو جنس. *مجله جامعه‌شناسی ایران*. دوره پنجم، شماره ۲، صص ۳۱۲-۲۹۶.
- جاقلو، س؛ و دیگری. (۱۳۸۴). بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان. *مجله جامعه‌شناسی ایران*. دوره ششم، شماره ۴، صص ۱۱۴-۹۲.

- امیرکافی، م. (۱۳۷۴). اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه شهید بهشتی.
- امیرکافی، م. (۱۳۸۰). اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. **نمایه پژوهشی**. شماره ۱۸، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۳۹-۴۰.
- پاتنام، ر. (۱۳۸۴). **جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی**. ترجمه: ک. تاج‌بخش. تهران: نشر شیرازه.
- پیران، پ. (۱۳۸۳). **جزوه درس جامعه‌شناسی شهری**. رشته جامعه‌شناسی، دوره کارشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- چلبی، م. (۱۳۷۵). **جامعه‌شناسی نظم (تشریح و تحلیل نظم اجتماعی)**. تهران: نشر نی.
- دورکیم، ا. (۱۳۸۷). **صور پنیانی حیات دینی**. ترجمه: ب. پرهام. تهران: نشر مرکز. چاپ سوم.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۷۸). **آنومی یا آشفتنگی اجتماعی (پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران)**. تهران: سروش.
- ریتزر، ج. (۱۳۷۷). **نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر**. ترجمه: م. ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- سراج‌زاده، ج. (۱۳۸۳). **چالش‌های دین و مدرنیته**. تهران: انتشارات طرح نو.
- شارع‌پور، م. (۱۳۸۰). فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن. **مجله جامعه‌شناسی ایران**. شماره ۳.
- شجاعی‌زنده، ع. (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران. **مجله جامعه‌شناسی ایران**. دوره ۶، شماره ۱.
- شولتز، د؛ و دیگری. (۱۳۷۹). **نظریه‌های شخصیت**. ترجمه: ی. سیدمحمدی. تهران: موسسه نشر ویرایش.
- غفاری، غ. (۱۳۸۰). **تعیین ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی در مشارکت سازمان یافته اجتماعی - اقتصادی روستاییان**. رساله مقطع دکتری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- فرامرزی قراملکی، ا. (۱۳۸۵). **روش‌شناسی مطالعات دینی (تحریری نو)**. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم انسانی رضوی مشهد.
- کوزر، ل. (۱۳۸۲). **نظریه‌های جامعه‌شناسی**. ترجمه: م. ثلاثی. تهران: انتشارات آگاه.
- کوزر، ل؛ و دیگری. (۱۳۷۷). **نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی**. تهران: نشر نی. چاپ سوم.
- محسنی تبریزی، ع. (۱۳۸۰). بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه‌ی ملی. **نامه پژوهش**. شماره ۱، ص ۱۰۸.
- نایبی، ه؛ و دیگری. (۱۳۸۵). نقش دین‌داری در ممانعت از بزهکاری جوانان شهر تهران. **فصلنامه رفاه اجتماعی**. شماره ۲، ص ۷۸.
- همیلتون، م. (۱۳۸۷). **جامعه‌شناسی دین**. ترجمه: م. ثلاثی. تهران: انتشارات تبیان.
- Helly, D. (2001). **"Voluntary and social participation by people of Immigrant origin overview of Canadian Research"**. second National Metropolis conference, Immigrant and civic participation: Contemporary policy and Research Issues, Montreal, November 1997.
- Putnam, Robert. (1993). **Mjaking Democracy Work: civic Traditions in Modern Italy**. Princeton: Princeton University press.
- Putnam, R., D. with Leonardo, R. and Nanetti, R., Y. (1993). **"Making Democracy Work"**. Civic traditions in modern Italy, Princeton University Press, Princeton, New Jersey.
- Putnam, R. D. (2000). **Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community**.
- Simmel, G. (2004). **The Philosophy of Money**. Translated by T. Bottomore. London: Routledge.
- Welch, Michael R. Sikkink, David. Sartan, Eric. Bond, Carolyn. (2004). Trust in god and trust in man: The ambivalent role of religion in shaping dimensions of social trust. **Journal for the scientific study of religion**. 43 (3). P.p: 317-343.
- Williams. B. (1970). **"Formal structures and social reality"**. in trust, ed Gambetta, p: 8.